

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات ۲۷۷ - ۲۶۵

اخلاق زیستی و رابطه آن با کرایونیک از منظر فقهی و حقوقی

فاطمه مهدوی^۱

چکیده

بشر همواره بدنیاال جاودانگی است و علم پزشکی یکی از علومی است که به سلامت و جاودانگی بشر می‌اندیشد. یکی از مسائل نوظهور در علم پزشکی، انجماد و سرمازیستی است. این علم با انجماد بدن انسان، سعی در احیای دوباره انسان بعد از گذشت چندین سال دارد و نیز مراکزی هم در برخی از کشورهای جهان وجود دارد که تعهد می‌کند که بدن فرد را منجمد کرده و بعد از گذشت سال‌ها به زندگی برگردانند. یکی از مهمترین روش‌های ایجاد معیارهای مشترک پزشکی زیستی وحدت اصول پزشکی زیستی در چارچوب حقوق بشر است. با فرض نقشی که حقوق بشر در ایفاء می‌کند، این اخلاقیات جهانی جهان تکثرگرایی فرهنگی به عنوان استراتژی مناسب به نظر می‌رسد. علاوه بر استانداردهای کلی که به تدریج ایجاد می‌شوند، اجتماعی گسترده در مورد وضعیت اضطراری پی‌شگیری از دو مسأله خاص وجود دارد: مداخله در زنجیره سلولی و شبیه‌سازی انسانی. این مقاله به روش توصیفی - تحلیلی تنظیم شده و به موضوع جواز و عدم جواز این روش پرداخته و نیز در صورت جواز و یا عدم آن، به آثار و تبعات فقهی حقوقی آن می‌پردازد. نتیجه آنکه با فرض جواز و نیز فرض زنده دانستن شخص منجمد، آثار فوت، نکاح، اجرایی شدن وصیت، حال شدن دیون و عقود یا قراردادهای قابل اجرا نیست، و در شرایط مشابه نظیر غایب مفقود الاثر از جمله تعیین امین و قیم عمل می‌شود. قائلین به عدم جواز به آیات «نهی از القای در مهلکه» «حرمت قتل نفس» در سنت به روایاتی در این زمینه و نیز به روایات عدم جواز اضرار به خود و همچنین به حکم عقل استدلال نموده‌اند. قائلین به جواز به آیه «مَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا» در سنت به روایاتی مانند «لاضرر و لااضرار فی الاسلام» و نیز به حکم عقل متمسک شده‌اند. ادله جواز کرایونیک با تحقق شرایط نسبت به ادله عدم جواز از قوت بیشتری برخوردار است.

واژگان کلیدی

کرایونیک، اخلاق زیستی، جواز و عدم جواز، تبعات فقهی - حقوقی، شبیه‌سازی انسانی.

۱. دکترای تخصصی فقه و حقوق اسلامی عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قائمشهر.

طرح مسأله

سرمازیستی، منجمد زیستی، یخ زیستی هر کدام از این مفاهیم را که در نظر بگیریم به پدیده‌ای نوظهور در عالم غرب می‌رسیم که شاید برای بسیاری از ما مفهوم ناآشنایی باشد اما حقیقت آن است که این پدیده در سایر نقاط جهان آنچنان ناشناخته هم نیست و مشاهیری در سراسر دنیا با انجماد خود مطابق با فرآیند انجماد زیستی^۱ علاقه نشان دادند. در این روش با قرار دادن دمای بدن در منفی ۱۹۶ درجه اقدام به حفظ بدن و جلوگیری از فساد آن می‌شود. [۱]

به امید آنکه در آینده علم پزشکی، قادر به بازگرداندن شخص منجمد شده به چرخه حیات باشد. غالباً این روش در مورد بیماران صعب‌العلاج و یا لاعلاج کاربرد دارد که علم پزشکی کنونی قادر به درمان آن‌ها نیست. این فرآیند به دو شکل قابل تصور است: فرض اول اینکه فرد زنده، طی این فرآیند منجمد شده تا در سال‌های آتی و شاید حتی در دهه‌های بعد، درمانشان کشف و بازگشتشان به چرخه حیات میسر گردد و فرض دوم، منجمد کردن افراد بعد از مرگ. [۳] هر کدام از این فرض‌ها از نظر فقه و دانش حقوق احکام جداگانه‌ای دارد. از لحاظ تعالیم دین اسلام و با توجه به نظرات فقها در بحث مربوط به منجمد کردن جسم قبل از مرگ، این عقیده استوار است که این عمل نوعی خودکشی و اقرار به نفس می‌باشد و حرام است و در فرض دوم یعنی جایی که فرد پس از مرگ بدنش را به دست انجماد می‌سپارد باور بر این است که بدن میت جایز نیست بر زمین بماند و در دفن میت باید تعجیل نمود و نمی‌توان به امید این که در چند سال بعد به حیات برگردد عمل فریز را نسبت به میت انجام داد. [۲]

وظیفه اخلاق زیستی ارائه مجموعه قواعدی رفتاری برای علوم زیستی است تا یکی از شرایط مهم برآورده شدن اهداف مزبور تأمین شود. هدف از این نوشتار بررسی روابط موجود میان اخلاق زیستی و حقوق بشر است. بنابراین کوشش نگارندگان همواره معطوف به این است که از دایره موضوع مورد بررسی خارج نشوند و مگر بنا به ضرورت به مصادیق و جزئیات نپردازند. بحث اخلاق زیستی به ویژه بر اثر پیشرفت علوم ژنتیک و پدیدآیی امکان شبیه‌سازی اهمیت بیش‌تری یافت ولی نباید فراموش کرد که دامنه آن فراتر از این مباحث بوده و قدمت زیادی دارد. در بررسی حاضر پس از بررسی مفهوم اخلاق زیستی سعی در روشن ساختن ارتباطات آن با حقوق بشر شده است و در قسمت آخر ضمن بررسی برخی اسناد مربوط به حقوق بشر و اخلاق زیستی سعی می‌شود تا اشاره مختصری به موادی که حقوق بشر را در قلمرو اخلاق زیستی وارد می‌کنند صورت گیرد. [۴]

با توجه به اینکه هر پدیده‌ای دارای آثار و تبعاتی است، روش سرمازیستی از ابعاد مختلف

اجتماعی، فرهنگی و زیستی مورد توجه صاحب نظران قرار گرفته است به لحاظ فقدان قوانین موضوعه، لازم است که به تبیین آثار فقهی - حقوقی این پدیده پرداخت. در این مقاله ضمن تبیین ماهیت انجماد زیستی به آثار و تبعات فقهی - حقوقی آن از جمله رابطه زوجیت، وضعیت مالی و قراردادهای عقود اشخاص منجمد مورد بررسی قرار گرفته است. لذا با توجه و عنایت به مطالب فوق هدف ما از انجام این پژوهش پاسخگویی به سوال ذیل می‌باشد که بررسی آثار فقهی حقوقی سرمازیستی یا کرایونیک با نگرشی بر اخلاق زیستی به چه صورت می‌باشد؟

۱. مبانی و مفاهیم نظری

۱.۱. مفهوم سرمازیستی^۱

سرمازیستی یا کرایونیک، دانشی نوین است که در آن، با پایین آوردن دمای بدن انسان یا جانوران، سعی در سالم نگهداشتن بدن برای آینده می‌کنند. در این روش، بیمار را در یک ظرف پر از یخ قرار می‌دهند که موجب بازگشت تنفس و گردش خود می‌شود. داروهایی برای جلوگیری از آسیب‌های مغزی به بیمار داده می‌شود سپس خون را در دستگاهی که عملکرد قلب و شش‌ها را دارد قرار می‌دهند. پس ز آن خون را از بدن خارج کرده و آن را با یک محافظ شبیه به ضد یخ جایگزین می‌کنند. [۵]

غالباً افراد مبتلا به بیماری لاعلاج، اقدام به انجماد می‌کنند، البته افراد داوطلب که آگاه به این واقعیت هستند که در حال حاضر روشی برای بازگشت آن‌ها به حیات وجود ندارد، بلکه فقط امیدوارند که در آینده با پیشرفت علم، امکان بازگشت وجود داشته باشد. موسسات مختلفی در سراسر جهان از جمله آمریکا، استرالیا، روسیه در این زمینه فعالیت می‌کنند. اما به توجه به جدید بودن و احتمالی بودن سرمازیستی در قوانین موضوعه کشورهای مذکور به طور جدی مورد توجه قرار نگرفته است. [۹]

پدیده منجمد کردن جسد انسان‌ها، کرایونیک نام دارد که شاخه‌ای از علم فیزیک است. دانش کرایونیک به مطالعه و تحلیل واکنش ارگانیسم‌ها، پروتئین‌ها و اتم‌ها، وقتی که در دمای پایین قرار دارند، می‌پردازد. از سال‌های ۱۹۶۰ میلادی یکی از زیرشاخه‌های این علم مورد توجه دانشمندان و رسانه‌ها قرار گرفت که ادعا می‌شود می‌تواند کلید رهایی از مرگ و رفتن به سوی جاودانگی باشد. بنجامین فرانکلین در سال ۱۷۷۳ در کتابی به نام «آینده جاودانگی» ایده جاودانگی را مطرح کرد که با سرد شدن بدن انسان‌ها می‌توان آن‌ها را پیش از مردن برای سال‌های طولانی حفظ کرد تا شاید در آینده دوباره بتوان آن‌ها را به حیات بازگرداند. او در این کتاب مرگ را به عنوان یک امر غیر ممکن و غیرقابل بازگشت تلقی نمی‌کند، بلکه یک مسئله

پیچیده می‌داند که علم راهی برای حل آن پیدا خواهد کرد. در سال ۱۹۶۷ پروفیسور جیمز بدفورد استاد فیزیولوژی دانشگاه کالیفرنیا اولین کسی بود که حاضر شد در پروژه انجماد انسان شرکت کند. جسد وی هنوز هم به صورت یخی در موسسه الکور در آمریکا نگهداری می‌شود. [۸]

کرایونیک اکنون فقط در مورد کسانی انجام می‌شود که دارای بیماری لاعلاجی هستند. موسسات کرایونیک این داوطلب‌ها را برای فریز شدن آماده می‌کنند. لحظاتی پس از مرگ آن‌ها، که سلول‌ها هنوز هیچ تغییری نکرده اند آن‌ها را در دمای نیتروژن مایع قرار می‌دهند تا فریز شوند. آن‌ها باید چند سال در این حالت در درون یخچال‌های مخصوص که مرتب نیتروژن مایع درون آن‌ها تعویض می‌شود بمانند. البته امروزه دانشمندان اذعان می‌دارند که علم هنوز آنقدر پیشرفت نکرده که بتواند افراد فریز شده را به زندگی برگرداند. [۷]

موسسات مختلفی در سراسر جهان در این زمینه فعالیت می‌کنند الکور^۱ یکی از بزرگترین سازمان‌های فعال در این زمینه است که به اتکای فناوری‌های پیشرفته و راهکارهای درمانی حمایتی در این حوزه فعالیت می‌کند. در این سازمان فرآیند انجماد انسان در بهترین شرایط لحظاتی بعد از ایست قلبی، آغاز می‌شود. بیش از ۱۰۰ نفر از زمان اولین مورد، در سال ۱۹۶۷، تا به امروز به سیستم نگهداری کرایونیک پیوسته و بدن خود را حفظ کرده‌اند و حدود هزار نفر در حال انجام فرایندهای قانونی و مالی انجام پروسه کرویونیک بر روی بدن خود هستند. علی‌رغم رواج انجماد در برخی کشورها، به لحاظ جدید بودن و احتمالی بودن آن، در قوانین موضوعه به طور خاص مورد توجه قرار نگرفته است. در رویه قضایی برخی کشورها از جمله انگلیس نمونه عملی آن در سال ۲۰۱۵ میلادی مطرح شد و دادگاه عالی در خصوص درخواست انجماد دختر چهارده ساله مبتلا به سرطان حکم صادر نمود. و با تاکید بر ضرورت وجود قوانین مناسب، منافع فردی و عمومی و نیز منافع کودکان را با استناد به قانون حمایت از کودک ۱۹۸۹ میلادی مورد توجه قرار داد. در آمریکا هم قانون خاصی در این خصوص وجود ندارد. در نظام حقوقی ایران هم، نه در قوانین موضوعه و رویه قضایی به این موضوع توجه شده و نه در عمل، استفاده از آن رایج نیست.

۱،۲. مفهوم اخلاق زیستی

اخلاق زیستی^۲ عبارت است از علم اخلاق در آن حیطة که به زندگی و بدن انسان مربوط می‌شود؛ یعنی رفتار قابل پذیرش بشر در مورد نحوه برخورد وی با حیات و جسم انسان و یکی از رشته‌های دانش، گفتمان و مطالعه که به آثار فلسفی و اخلاقی برخی از روش‌ها و شیوه‌های زیست‌شناختی و برخی فن‌آوری‌ها که بر حیات انسان تأثیر می‌گذارند مرتبط می‌شود. مثال‌های

1 Alcor

2 Bioethics

بارز آن عبارتند از شبیه سازی، تحقیق در پیشینه سلول‌ها، تهیه نقشه ژنوم انسانی و نحوه درمان بیماران علاج ناپذیر. هر موضوع اخلاق زیستی به نحوی به یکی از حقوق بشر یا حتی تعداد بیش تری از آن اشاره دارد. [۶]

به عبارت دیگر اخلاق زیستی یا اخلاق پزشکی همانا مطالعه و اعمال ارزش‌ها، حقوق و تکالیف اخلاقی در زمینه‌های درمان و تحقیق پزشکی است. تصمیمات پزشکی مستلزم رعایت مسائل اخلاقی هر روزه در وضعیت‌های گوناگونی (همچون روابط میان بیمار و پزشک، مراقبت پزشکی از انسان و حیوانات در آزمایش‌های پزشکی، چگونگی اختصاص منابع اندک پزشکی، مسائل پیچیده‌ای که آغاز و پایان حیات انسان را در بر می‌گیرند، شیوه پزشکی بالینی و تحقیق در علوم مربوط به حیات) مطرح می‌شوند. ریشه اخلاق پزشکی به یونان باستان باز می‌گردد؛ اما در قرن بیستم بود که این مقوله اهمیت زیادی یافت.

۱،۳. کرامت انسانی، فصل مشترک حقوق بشر و اخلاق زیستی

حقوق بشر است که حتی در عناوین اعلامیه جهانی حقوق بشر و ژنوم انسانی و حقوق بشر و اخلاق زیستی نیز تجلی یافته است. اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸ نیز منزلت و ارزش فرد انسان را... برای تمامی مردم و تمامی ملت‌ها تأیید می‌کند. شاید وجه تمایز اسناد بین‌المللی مربوط به زیست پزشکی همان نقش اصلی و یکی‌سازی معیارهای مشترک اتخاذ شده کرامت انسانی محول شده به مفهوم در چارچوب حقوق بشر باشد. شگفت‌آور نیست اگر کرامت انسانی را به عنوان یکی از معدود ارزش‌های مشترک دنیای تکثرگرایی فلسفی بدانیم. این مفهوم معمولاً با بیشترین اهمیت به ارزش بنیادین و تعرض ناپذیر شخصیت انسانی همراه شده است. کانت، منزلت و کرامت را به این معنی دانسته که خود مردم را باید همیشه به عنوان هدف تلقی کرد و آن‌ها هرگز نباید تنها به عنوان وسیله‌ای برای نیل به هدف تلقی گردند. [۱۰]

اشاره به منزلت انسانی^۱ در اسناد بین‌المللی مربوط به اخلاق زیستی به گونه‌ای اخلاق زیستی بین‌المللی تلقی اصل شکل دهنده بوده که منزلت گاهی به عنوان شده است. اما منزلت و کرامت انسانی به تنهایی قادر نیست مشکلات ناشی از پیشرفت‌های علمی را رفع کند. به همین دلیل برخی مفاهیم دیگر هم چون رضایت آگاهانه، یکپارچگی بدن، عدم تبعیض، حفظ اسرار، و انصاف نیز در این زمینه اهمیت دارند.

۴، ۱. موافقین و مخالفین انجماد زیستی

در این خصوص دو دیدگاه قابل طرح است:

۱، ۴، ۱. دیدگاه موافقین انجماد

برخی از کشورها از جمله آمریکا و روسیه از پیشگامان در این زمینه محسوب می‌شوند تاکنون اقدام به انجماد ۲۵۰ الی ۳۰۰ جسد نموده‌اند. اما قانون خاصی در این زمینه وجود ندارد. البته برخی بر این باورند که فقدان قوانین خاص به این معنا نیست که هیچ قانونی قابل اعمال بر انجماد نباشد. اگرچه رویه قضایی در حال حاضر آمادگی قبول این مساله را ندارد، اما در آینده این امر پذیرفته خواهد شد. [۷]

برخی دیگر از موافقان انجماد با تاکید بر منطق غیرقابل انکار بودن انجماد زیستی، بیان می‌دارند که حرکت‌های اجتماعی صورت گرفته را دلیلی بر رشد و استمرار آن قلمداد کرده و بر این باورند که امید به عنوان مبنای این روش، دلیل موفقیت آن است. برخی نیز بر حق انسان‌ها بر جسم خود به عنوان یک حق قانونی استناد کرده و در این باورند که غیر معمول بودن این روش نباید به معنی عدم پذیرش آن باشد و کسانی که اعتقاد به چشمانداز احیا دارند، حق قانونی برای انتخاب آن نیز را دارند. [۱۵]

از دیگر دلایلی که برای دفاع از انجماد مطرح شده، رسالت علم پزشکی است. اگر امکان بازگرداندن افراد به زندگی وجود دارد، انفعال و عدم انجام، نوعی خلاف رسالت پزشکی است در حالی که وظیفه پزشک کمک به حیات بیمار است نه مرگ او. برخی از فقها، با استناد برخی از روایات، احادیثی به عنوان دلیل بر وجوب احیای انسان نقل کردند از جمله حدیثی از امام صادق (ع) نقل شده است: «... هر کسی در مکانی که آب در آنجا وجود ندارد به دیگری آب دهد مانند کسی است که نفس را زنده داشته است و هر کس نفسی را زنده بدارد گویی همه مردم را زنده داشته است» [۱۱]

برخی دیگر از فقها بر طبق حدیث "لاضرر و لااضرار فی الاسلام" که یکی از قواعد مهم در جایگاه استنباط است که از قواعد ماثوره^۱ می‌باشد و مقصود از آن نفی حکمی است که از ضرر نشأت می‌گیرد مانند نفی وجوب وضو، زمانی که ضرر بر آن مترتب شود و یا نفی وجوب روزه زمانی که ضرر بر آن مترتب شود. لذا بر این باورند که انجماد اشخاص زنده را با استناد به قاعده لا ضرر پذیرفته و می‌گویند، عدم جواز انجماد برای بیماران صعب‌العلاج یا لاعلاج به معنای منع از درمان می‌باشد و این امر به دلیل ضرر به بیمار خلاف قاعده لاضرر است. برخی دیگر نیز انجماد را از حیث واجب بودن احترام حفظ جان مسلمان می‌پذیرند.

و نیز بر جواز حکم به دلیل عقلی می‌توان تمسک کرد که در صورت وجود راه حلی که بتوان بوسیله آن فرد را هر چند برای زمانی معدود از مرگ نجات داد مسلماً عقل حکم می‌نماید که به آن راه حل تمسک نمود و فرد را از مرگ قطعی نجات دهند. بنابراین زمانی که درمانی برای بیماری انسان وجود ندارد و پزشکان از یافتن راه درمانی ناامید گشته‌اند تنها احتمال اینکه بتوان براساس پیشرفت‌های پزشکی و علم نوین در آینده راه درمانی پیدا کرد و آن فقط از طریق نگهداشتن فرد در حالتی که حیات فعال او به حیات منفعل تبدیل می‌گردد سپس به حیات فعال باز گردد قابل انجام است. و نیز می‌توان گفت که عقل حکم می‌کند در این مسئله بسیار مهم، فرد بهترین راه را برای درمان بیماری خود پیدا کند. در صورت احتمال نجات حتی در حد یک احتمال عقلایی و قابل اعتماد بودن، صرف نظر از آن جایز نیست و خودکشی محسوب نمی‌شود. و نیز می‌توان گفت که ریسک بر جان، در همه موارد غیر مجاز شمرده نشده است بلکه در برخی موارد امری لازم و ضروری به حساب می‌آید. عقل حکم می‌کند که برای جلوگیری از افتادن در خطر مرگ، خطر مرگ احتمالی اخذ شود. بنابراین اگرچه منجمد کردن ممکن است منجر به مرگ احتمالی شود، اما ترک آن، موجب مرگ قطعی وی خواهد شد و نیز عدم جواز ریسک بر جان انسان مقید به زمانی است که امکان برگشت وجود نداشته باشد در حالی که در انجماد زیستی امکان برگشت برای فرد وجود دارد.

۲، ۴، ۱. دیدگاه مخالفین انجماد

در مقابل دیدگاه جواز انجماد برخی بر این باورند که انجماد مغایرت با نظم عمومی دارد و از دیگر دلایل مخالفت، غیر عادی، عجیب و احتمالی بودن انجماد است و برخی دیگر عدم جواز را خلاف استقلال بیمار می‌دانند. [۱۲]

در حقوق موضوعه ایران، این موضوع از حیث فقهی و شرعی نیز مورد توجه قرار گرفته است. از جمله آیات استناد به آیات مربوط به حرمت قتل نفس^۱ و نهی از قرار دادن شخص در هلاکت مانند آیه ۳۲ از سوره مائده، که در این آیه کشتن یک نفر به منزله کشتن همه مردم مطرح شده است و موجب سلب امنیت از همه مردم شده و زمی نه ساز قتل همه است و همچنین آیه ۱۹۵ سوره بقره که از این آیه حرام بودن خودکشی استفاده شده است. این آیه مطلق است و در نتیجه نهی از تمامی رفتارهای افراطی و تفریطی است. آیه ۹۳ سوره نساء که بیانگر این مطلب است که در نظام حقوق اسلامی و بشری، هیچ مقامی حق ندارد بی جهت جان دیگران را بگیرد و نیز امنیت که یکی از مهمترین شرایط یک اجتماع سالم است به کلی از بین می‌رود. [۱۴]

استناد به روایات و احادیث که دال بر حرمت خودکشی و عدم جواز اضرار به خود، را می‌توان قائل به عدم جواز انجاماد شد زیرا این کار تبعات حقوقی فراوانی دارد مانند ارث، نکاح و هزینه‌های مالی از جمله این مشکلات است.

۱.۵. حکم تکلیفی کرایونیک از منظر فقهی

کرایونیک، بی‌گمان احکام ویژه فقهی را به همراه خواهد داشت که می‌بایست به عنوان موضوعی مستحدث مورد توجه فقها قرار گیرد. در این مقاله سعی می‌شود کرایونیک مسلمان بیمار لا علاج مورد بررسی فقهی قرار گیرد. قائلین به عدم جواز کرایونیک بیمار لا علاج بر این عقیده‌اند که در حال حاضر و در سطح پیشرفت کنونی علم فیزیولوژی، منجمد کردن انسان‌ها در دمای پایین به امید زنده ماندن سلول‌های بدن برای سال‌های طولانی، سپس امکان بازگشت است که «القاء النفس فی التهلکة» حیات در آینده، از مصادیق خداوند در قرآن کریم به آن اشاره می‌فرماید و مورد نهی واقع شده است؛ بنابراین هرچند که انسان مبتلا به بیماری صعب‌العلاج باشد، اما تا زمانی که علم فیزیولوژی پیشرفتی نداشته باشد که نتایج قطعی و یا مورد اطمینان در مورد کرایونیک حاصل شود، نمی‌توان جان انسان که اشرف مخلوقات است را در معرض خطر قرار داد. [۷]

تفویت تکالیف واجب و تنافی با قاعده لاضرر: قائلین به عدم جواز استدال نموده‌اند به این که اگر یقین داشته باشند که در آینده معالجه یقینی خواهد بود، این امر همچون خلع روح اختیاری است که برخی بزرگان چنین توانی را داشته‌اند، اما با انجام این کار زمینه به جای آوردن تکالیف واجب از بین می‌رود و خود این عمل نیز جایز نمی‌باشد و با اقدام به این کار ضرری بر وی متوجه می‌شود که با قاعده لاضرر متنافی است. بنابراین اقدام به کاری که هم موجب تفویت تکالیف واجب و هم از مصادیق ضرر است، به صرف احتمال اینکه چندین سال آینده ممکن است علم موفق به حل کردن چنین معضلی شود، جایز نمی‌باشد. [۵]

بنابراین منجمد کردن انسان ریسک و خطرپذیری بر جان وی به حساب می‌آید و این امر در شرایطی که امکان برگشت وجود ندارد، جایز نیست. به عبارت دیگر چون اطمینان به برگشت فرد به زندگی وجود ندارد، پس جایز نیست که بیمار را منجمد کرده و جان وی را به خطر انداخت.

۱.۶. آثار و تبعات سرما زیستی

با توجه به دو دیدگاه اصلی که در خصوص وضعیت فرد منجمد وجود دارد یک دیدگاه این است که در حالت انجماد عملکرد قلب، مغز و گردش خون متوقف شده، لذا از نظر پزشکی چنین فردی مرده تلقی می‌گردد، اما احتمال زنده شدن او هست مانند کسی که غرق شده و احتمال باز گرداندن او از طریق تنفس مصنوعی هست و یا شخصی که دچار ایست قلبی شده و از طریق

شوک قلبی می‌توان او را احیا کرد. [۱۳]

برای انجماد لازم است که ابتدا از حیث بالینی مرده اعلام شوند که احیای مجدد در آینده صورت بگیرد که عمل انجماد قبل از مرگ جسمی و قبل از مرگ مغزی انجام می‌شود. در مقابل برخی بر این باورند که مرده تلقی کردن افراد منجمد صحیح نیست بلکه افراد منجمد را باید بیمار به حساب آورد. زیرا معیار پزشکی برای مرگ دقیق نیستند و عدم صحت آن در آینده با پیشرفت‌های پزشکی مشخص خواهد شد. و از لحاظ قانونی فرد منجمد نمرده و روح از بدن فرد خارج نشده و تنها عملکرد اعضای بدن متوقف می‌گردد و از طرف برخی حقوقدانان اصل بقای حیات مورد استناد قرار گرفته است. [۱۶]

در حال حاضر با توجه به پذیرش مرگ مغزی اطلاق عنوان زنده بر این افراد موجه به نظر می‌رسد و چه بسا در آینده امکان اح یا وجود داشته باشد لذا آثار فقهی حقوقی آن را بصورت تفصیلی بیان می‌کنیم.

۱،۷. نکاح و آثار آن

در حقوق ایران با توجه به عدم تصریح قوانین و با در نظر گرفتن مقررات موجود و با توجه به احتمال زنده شدن فرد، پذیرش انحلال و انفساخ نکاح^۱ دشوار است. با توجه به استثنایی بودن حق فسخ نکاح، انجماد به علت عدم انطباق با موارد ماده‌های ۱۱۲۲ و ۱۱۲۳ از اسباب فسخ نکاح نخواهد بود. با توجه به این که مدت زمان انجماد فرد معلوم نیست و این مساله با عسر و حرج زوجه همراه است لذا می‌توان طلاق زوجه شخص منجمد را با شرایطی پذیرفت برخی طلاق زوجه فرد منجمد را با زوجه غایب مفقودالاثر مقایسه می‌کنند. [۳]

در خصوص آثار نکاح از جمله حضانت، مساله چندان پیچیده نیست. زیرا با توجه به عدم توانایی فرد برای انجام وظایف مربوط به حضانت، با طرف دیگر است و در صورت انجماد هر یک از زوجین، حضانت قطعاً با طرف مقابل می‌باشد. در خصوص نفقه ماده ۱۱۲۲ قانون مدنی به زن حق می‌دهد که ازدواج را فسخ نماید: عنن: ناتوانی مرد در نعوظ به شرط آنکه بعد از گذشت مدت یک سال از تاریخ رجوع زن به دادگاه، رفع نشود. عنن در صورتی که پس از عقد ایجاد شود نیز زن را صاحب حق فسخ نکاح می‌کند.

۱،۸. اموال و دارائی فرد فریز شده

در صورت فرض مرده تلقی کردن شخص فریز شده، بین وراثت تقسیم می‌شود اما در مورد وضعیت قطعی این افراد، پاسخ دشوار است. برخی از فقها علی رغم تردید در مرگ این افراد، حفظ اموال را در بیت المال به علت عدم مشمول عنوان مجهول المالک، صحیح نمی‌دانند و بیان

می‌دارند که موت فرضی در نظر گرفته شده و اموال فرد فریز شده را بین ورثه تقسیم می‌کنند. [۶]

در حقوق ایران با توجه به زنده فرض کردن شخص فریز شده، مساله ارث منتفی است. بدلیل نامعلوم بودن مدت انجماد، مشابه شخص مفقود الاثر برخورد می‌شود و از طرفی به احتمال طولانی بودن انجماد و به جهت حفظ حقوق ورثه، احکام غایب مفقود الاثر اجرا می‌شود و به امینی سپرده می‌شود که بعد از انقضای مدت زمان متعارف، اموال او و به ورثه داده می‌شود.

۱,۹. غیب منقطعه و وصیت فرد فریز شده

در صورت فرض مرده تلقی شدن شخص منجمد، به وصیت عمل می‌شود و در صورت عدم پذیرش فرض میت، به لحاظ محدودیت آن به ثلثدر حقوق ایران چندان مفید نخواهد بود. و نیز ممکن است با استناد به ماده ۸۳۶ ق.م «هرگاه کسی به قصد خودکشی خود را مجروح یا مسموم کند و یا اعمال دیگر ... پس از آن وصیت نماید آن وصیت در صورت هلاکت باطل است ...» حکم به بطلان وصیت فرد منجمد دهند. ولی باید اذعان داشت که بطلان وصیت به مال زمانی است که خودکشی انجام شده باشد در حالی که وصیت قبل از انجماد شخص می‌باشد و در این زمینه نمی‌توان آن را به هم تشبیه نمود.

۱,۱۰. دیون و عقود فرد فریز شده

طبق قانون مدنی کلیه دیون فرد با فوت او حال می‌شود. اما با توجه به تردید در حیات و فوت شخص فریز شده فرض‌های متفاوتی وجود دارد. فرض اول اینکه قائل به فوت شویم تمام دیون فرد فریز شده حال می‌شود لذا بر طبق قاعده لا ضرر باید عمل نمود و از اموال او باید پرداخت شود. و فرض دوم بر اینکه زنده باشد این است که شخص فریز شده را تا حدودی می‌توان با شخص غایب مفقود الاثر مقایسه نمود. همانطور که غیب منقطعه موجب اضرار به دیگران می‌شود لذا با سپردن اموال به شخص امین و بعد از سپری شدن مدت پرداخت دیون از محل اموال شخص فریز شده، داد. و نیز می‌توان آنرا با وضعیت حجر مقایسه نمود. زیرا بعد از بروز حجر، تعیین قییم و پرداخت دیوناز طرف او مطرح می‌شود و قییم اقدام به پرداخت دیون او از اموال می‌شود. [۷]

در مورد عقود جایز صرفاً در صورت فوت اشخاص فریز شده، انفساخ عقد قابل پذیرش است و با فرض زنده بودن، قابل قبول نیست. اما در عقود لازم در هر دو فرض فوت و عدم فوت با توجه به طولانی بودن مدت انجماد حفظ حقوق طرف عقد و قرارداد لازم است.

نتیجه گیری

علوم زیستی خصلتی دارند که آن‌ها را از دیگر علوم متمایز می‌سازد؛ علوم زیستی و به ویژه ژنتیک با وجود انسان در کلیت آن سر و کار دارند، زیرا هر ژنوم فرد انسانی تصویری از زندگی آن فرد است. هنگامی که اطلاعات ژنتیک فردی آشکار می‌شود، اسرار زندگی وی بی‌اعتناء به سری بودن آن در معرض افشاء قرار می‌گیرد. بنابراین ضرورت دارد جامعه به شکلی موثر بر تحقیقات ژنتیک نظارت داشته باشد تا بتواند از حقوق بشر و منزلت انسانی حمایت کند.

علم فریز کردن، علمی است که وابسته به پیشرفت علم پزشکی است. هر اندازه علم پزشکی پیشرفت نماید، امید به بازگشت به زندگی هم بیشتر خواهد شد لذا متقاضیان زیادی نیز به دنبال این روش هستند از لحاظ فقهی حقوقی دارای تبعات زیادی است و با توجه به فرض زنده بودن اشخاص منجمد، آثار فوت مانند تقسیم ترکه میان ورثه، اجرایی شدن وصیت، انحلال نکاح و زوجیت، حال شدن دیون و نیز اجرای عقود و قراردادهای در خصوص این افراد قابل اجرا نیست. اما با توجه به احتمالی بودن این روش و قوانین موجود و شرایط مشابه به مانند غایب مفقود الاثر و محجور اعمال می‌شود که بر اداره اموال، تعیین امین و یا قیام از جمله راهکارهای موجود است.

در هر حال نباید فراموش کرد که بسیاری از قواعد اخلاق زیستی در حقوق داخلی کشورها به صورت قواعد حقوقی الزام آور درآمده‌اند در حالی که هنوز بسیاری از قواعد حقوق بشر به ویژه قواعد مربوط به اخلاق زیستی در اسناد غیر الزام آور تدوین شده‌اند. پس الزام آور بودن یا نبودن این دو دسته نم‌یتواند وجه تمایز آن‌ها باشد. وجه تمایز اصلی میان قواعد اخلاق زیستی و حقوق بشر، جهانی بودن دومی و ارائه معیارهای واحد و هماهنگ برای کل بشریت است. کلیت این گونه قواعد که ناشی از خصلت جهانی آن‌ها است موجب می‌شود به ارزش‌های فرهنگی و تفاوت‌های موجود احترام گذاشته شود و راه برای هماهنگی و همکاری باز گردد و جلوی تقابل فرهنگ‌ها تا حد ممکن گرفته شود. البته در این راه نباید هیچ‌گاه از اصول اولیه و بنیادین حقوق بشر عدول کرد چرا که هرچند حقوق بشر حق نسبت به برخورداری از تنوع فرهنگی را شناسایی کرده است اما تنوع فرهنگی نباید به عنوان دستاویزی برای خدشه دار کردن حقوق بشر به کار رود، چرا که حقوق بشر قواعد و اصولی هستند که رعایت آن‌ها می‌تواند هم‌زیستی مسالمت آمیز و دوستانه انسان‌های دارای ویژگی‌های نژادی، زبانی، فرهنگی، دینی و... مختلف را امکا نپذیر سازد و مانع آن شود که انسان منزلت انسانی خود و دیگر هم نوعانش را بر باد دهد.

یکی از مسائل مستحدثه علم پزشکی، کرایونیک است که یک نوع محافظت از انسان محسوب می‌شود به این صورت که بدن در دمای منفی ۱۳۱ درجه قرار داده می‌شود تا پروتئین‌ها و سلول‌های بدن حفظ شده و فاسد نگردد، به این امید که در آینده با پیشرفت علم پزشکی بتوان

دوباره حیات را به این افراد بازگرداند. در تحقیق و تبیین حکم تکلیفی کرایونیک از منظر فقه شیعه دو دیدگاه پیرامون کرایونیک موجود است. بعضی قائل به جواز کرایونیک و عده‌ای نیز قائل به عدم جواز کرایونیک می‌باشند. هر دو گروه برای اثبات نظریه خود به کتاب، سنت و عقل استدلال نموده‌اند. قائلین به عدم جواز کرایونیک مسلمان بیمار لاعلاج به آیات «نهی از القای در مهلکه» «حرمت قتل نفس» در سنت به روایاتی در این زمینه و نیز به روایات عدم جواز اضرار به خود و همچنین به حکم عقل استدلال نموده‌اند. قائلین به جواز کرایونیک نیز به آیات از جمله آیه «مَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا» در سنت به روایاتی مانند «لاضرر و لاضرار فی الاسلام» و نیز به حکم عقل استدلال نموده‌اند. ادله جواز کرایونیک با تحقق شرایط نسبت به ادله عدم جواز از قوت بیشتری برخوردار می‌باشد.

اقوال فقهای معاصر پیرامون کرایونیک مسلمان بیمار لاعلاج به دو دسته تقسیم می‌شود، بعضی به عدم جواز و بعضی به جواز قائل می‌باشند. قائلین به عدم جواز به آیات «نهی از القای در مهلکه» «حرمت قتل نفس» در سنت به روایاتی در این زمینه و نیز به روایات عدم جواز اضرار به خود و همچنین به حکم عقل استدلال نموده‌اند. قائلین به جواز به آیه «مَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا» در سنت به روایاتی مانند «لاضرر و لاضرار فی الاسلام» و نیز به حکم عقل متمسک شده‌اند. ادله جواز کرایونیک با تحقق شرایط نسبت به ادله عدم جواز از قوت بیشتری برخوردار است.

فهرست منابع

قرآن کریم

۱. ثقفی تهرانی، محمد (۱۳۹۸)، تفسیر روان جاوید، تهران، انتشارات برهان، چاپ سوم.
۲. حر عاملی، محمدبن حسن، (۱۳۷۰)، وسایل الشیعه، بیروت، دار الاحیاء التراث العربی.
۳. جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۸۸) ش، تفسیر تسلیم، ج ۱۸، قم، مرکز نشر اسراء
۴. صفایی، حسین، (۱۳۸۶) ش، حقوق مدنی و تطبیقی، تهران، نشر میزان
۵. قرائتی، محسن، (۱۳۸۳) ش، تفسیر نور، تهران، مرکز فرهنگی درسهایی از قرآن، چاپ یازدهم
۶. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۱)، الکافی، چاپ دوم، تهران، اسلامی.
۷. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۶۹)، موضوع فقهی انجماد انسان، دار الکتب اسلامی.
۸. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۹۳)، معاد و جهان پس از مرگ، انتشارات سرود، چاپ نهم.
۹. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۸۶)، برگزیده تفسیر نمونه و جمعی از فضلا، تنظیم احمد علی بابایی، تهران: دارالکتب اسلامی.
۱۰. بصیر زاده، شهناز، ادیبی سده، سارا (۱۳۹۵)، بررسی فقهی و حقوق احوال شخصیه در انجماد زیستی، مجله مطالعات حقوق، زمستان.
11. Cron R. (2020) is cryonics on Ethical means of life extension? Devon, south west England: university of Exeter, 2014. P.1-29
12. Huxtable R. (2019) cryonics in the courtroom: which Interests? Which Interests Whose Interests? Medical low review 2018, 26 (3) 476-499
13. Smith G, Hall C. (2018) cryonic suspension and low. Columbus school of law-3 1986: 17(1): 1-7
14. Ettinger R (2017) the prospect of immortality. No place: H Doubleday & Co 4 1964. P. 93-95
15. Nebraska Press Onora O'Neill, Autonomy and Trust in Bioethics, Cambridge University Press .